یادداشت

چه کسی داغ طبس را تسکین خواهد داد؟

علی شعبانی

نخستین روز مهرماه از دیرباز برای خانواده‌های ایرانی با خوشحالی و خاطره شیرین همراه بوده است؛ به‌ویژه برای کودکان کلاس اول که نخستین روز حضورشان در مدرسه و آشنایی با معلم و هم‌شاگردی‌هاست.

اما امسال ده‌ها خانواده -مادران و کودکان- و بستگان آنان داغدار شدند و شور و شوق کودکان یتیم‌شده فرومُرد و کام‌شان تلخ شد. چه بر آنان می‌گذرد؟ چه عللی باعث این فاجعه شد؟ مقصر این رخداد ناگوار برای کشور کیست؟

به یاد دارم سال‌های ۶۸-۶۹ که مدتی با صدای جمهوری اسلامی ایران- واحد زاهدان همکاری می‌کردم و برنامه کارگران را بر عهده داشتم، در کنار بررسی و طرح مسائل کار و کارگری، مهم‌ترین اصل آموزشی در تمام برنامه‌ها و تذکر مستمر به کارگر و کارفرما، شعار «اول ایمنی بعدا کار» بود. کمبودها و دغدغه‌های مختلفی برای کارگران و متولیان در کارگاه‌ها و کارخانه‌ها وجود داشت، اما تأکید اصلی بر حفظ ایمنی و سلامت و جان کارگران بود.

حسن صادقی، رئیس اتحادیه پیش‌کسوتان جامعه کارگری، در گفت‌وگو با «انتخاب» گفته است: «به واسطه تحریم‌ها نتوانستیم تکنولوژی‌های هشداردهنده را داشته باشیم تا ۱۰ دقیقه قبل از حادثه به کارگر معدن اخطار دهد».

سهل‌انگاری تا این حد؟ بالطبع کارگران در فرصت موجود، خود را از خطر دور کرده و نجات می‌دادند. در اعماق معدن و در تونل‌های پیچ‌درپیچ و شرایط دشوار کمتر در کنترل، هیچ تدبیری اندیشیده نشده بود! معنا و مفهوم این بی‌تدبیری، یعنی بی‌خیالی و بی‌اعتنایی مسئولان نسبت به جان انسان‌هایی که از قضا با پذیرش خطر برای کشور ثروت تولید می‌کنند.

هم‌زمان با خبر حادثه معدن طبس، رسانه ملی خبر کشف چهار کیف پر از پول، چک‌پول، دلار و یورو به ارزش ۴۰ میلیارد تومان به اضافه ۷۰۰ سکه دیگر از منازل شهردار و برخی اعضای شورای اسلامی سابق شهر لواسان منتشر کرد.

توضیح بیشتری نیاز نیست. پرسش این است که آیا تحریم‌ها فقط در خرید تجهیزات ایمنی برای کارگران کارکرد داشته؟ هزاران قلم دیگر به اشکال مختلف و با ادعا و افتخار دورزدن تحریم‌ها، با ده‌ها برابر قیمت تهیه و در کشور استفاده می‌شود؛ به مظلوم‌ترین، بی‌صداترین و خدمتگزارترین قشر با سخت‌ترین کارها و کمترین دریافتی‌ها و... که رسید، آسمان تپید؟

لابد توجیه دیگر هم این است که پول هم نبود! با توجه به اخبار دوره‌ای و مستمر رسانه‌ها، اینکه پول‌های کشور کجا می‌روند هم پیداست. یک نمونه آن، همین خبر مربوط به شهرداری لواسان! البته منظور این نیست که منابع در جای خود خرج نشوند، بلکه سخن این است که پول و ثروت در کشور کم نیست، آنچه وجود ندارد، تدبیر است؛ مسئولیت، پاسخ‌گویی و انجام درست وظیفه از سوی مدیران است. کشور سوءمدیریت دارد.

لابد معادن دیگر کشور نیز در وضعیت مشابه هستند. آیا برای مدیران و مقامات جان انسان‌ها ارزشی ندارد؟ آیا صمت و تعاون، کار و رفاه اجتماعی، نظارتی به حوزه وظیفه‌مندی خود دارند؟ چه کسی در عصر فناوری‌های پیشرفته و ارتباطات دانش‌بنیان و دانایی‌محور می‌تواند تصور کند در معادن ایران، بدیهی‌ترین ابزارها و تجهیزات ایمنی کارگران وجود ندارد؟ راستی کشور به کجا می‌رود؟

چه کسی فریاد کارگران و خانواده‌های آنان را که دائم در چالش مرگ، اخراج، برخوردهای سخت، تضییع حقوق و دستمزد، تأخیر در پرداخت همان شندرغاز و تلاطم در معیشت و... هستند، می‌شنود؟ چه کسی و چگونه سوگ خانواده‌های عزادار و فرزندانی را که در ماه مهر از مهر پدر محروم شده‌اند، تسکین خواهد داد؟ آیا نهادهای نظارتی گزارش دقیق حادثه را به مردم خواهند داد و با مقصران و مسببان برخورد لازم خواهد شد تا شاهد تکرار این حوادث تلخ نباشیم؟

مبانی «انقراض» تحزب

ادامه از صفحه اول

سپس در فصل بارندگی، باران شدیدی منجر به رانش کوه شد. نتیجه رانش زمین (کوه) این شد که کل روستا زیر انبوهی از گل و لای دفن شد. ظاهر هیچ‌یک از اهالی روستا به اینکه درختان سدی در برابر رانش زمین بود، توجه‌ای نداشت.

احزاب و تشکل‌ها سازوکار تولید جبر اجتماعی برای توسعه و کارآمدکردن ساختار مدیریت کلان هستند. اینکه چرا با وجود انبوهی از احزاب و تشکل‌ها به مثابه نمود «جبر اجتماعی»، مدیریت کلان نتوانسته کارآمد شود و توسعه پیدا کند، یک معماست. به عبارتی، چرا با وجود جبر اجتماعی عمیق و گسترده، جامعه نمی‌تواند از چنگال انواع و انبوه چالش‌ها رهایی پیدا کند؟ شفاف‌ترین و ساده‌ترین پاسخ می‌تواند این باشد که بخش قابل توجهی از فعالان سیاسی در قالب احزاب، درکی از سیاست به مثابه پدیده جمعی (اجتماعی) ندارند. به عبارتی، عدم تفکیک «فعل اقتصادی با فعل سیاسی» یکی از چالش‌ها و آسیب‌های اصلی تحزب است. در این موجز، تحزب به مثابه یک پدیده (تلاش) جمعی و نه به عنوان یک مؤلفه از یک ساختار حکمرانی (دموکراسی) که در ایران «تجربه نشده» مدنظر است. هدف فعالان اقتصادی کسب منفعت و سود فردی است. اما، سیاست به مثابه سازوکار مدیریت امور اجتماعی، ذاتا یک پدیده جمعی است.

اگر نگویم همه اما، بیشتر احزاب به منظور کسب مناصب در شورای شهرها، مجلس، استانداری‌ها، وزارتخانه‌ها و... ایجاد شده‌اند. به عبارتی، هدف احزاب (و حزب‌چه‌ها) موجود، تحقق منافع (اقتصادی) فردی و نه جمعی (اجتماعی) است. اگر این حقیقت تلخ، مخرب و انکارناپذیر که هدف بیشتر احزاب کسب منافع فردی (اقلیت) است در نظر گرفته شود، آن‌گاه، وجود انواع و انبوه چالش‌های اجتماعی و ملی به واسطه عدم توسعه و ناکارآمدی مدیریت کلان امری کاملا طبیعی است. شاید برخی مخالف این ادعا باشند، اما سهم بیشتر مسئولیت انواع و انبوه چالش‌های اجتماعی که بستر درد و رنج و ناامیدی بی‌پایان برای میلیون‌ها شهروند است، متوجه احزابی است که به وظیفه ذاتی خود به مثابه «عوامل جبر اجتماعی» به منظور توسعه و کارآمدی مدیریت کلان، بی‌توجه‌اند. چراکه حکومت‌ها بنا بر ضروریات اجتماعی و طی فرایندهایی ایجاد می‌شوند. بنابراین عملکرد حکومت‌ها همان است که باید باشد. اما وظیفه احزاب به مثابه عوامل جبر اجتماعی، تعامل با ساختار مدیریت به منظور توسعه و کارآمدکردن حکومت‌هاست.

تحزب یک پدیده سیاسی و ذاتا متفاوت از مؤسسات و واحدهای اقتصادی است. بنابراین، «حزب اقتصادی» یک پارادوکس است. از این رو، به دلایل بی‌شمار منطقی و کاربردی، «حزب اقتصادی» بنیادی‌ترین عامل «انقراض تحزب» است.

در پایان، تحزب مبتنی بر مبانی علمی، اخلاقی و انسانی بسیار محکم و استوار است. «احزاب اقتصادی» موجود، درک بسیار ضعیفی از مبانی تحزب دارند. به منظور «احیای عامل جبر اجتماعی» به مثابه تنها ابزار کارآمدی و توسعه مدیریت کلان، ضروری است تا «اذهان ملی فهم»، تعریف نوین و کاربردی از فعالیت جمعی (تشکل یا تحزب) به مثابه ابزار جبر اجتماعی به منظور تعامل با مدیریت کلان، تدبیر و به عرصه سیاسی ارائه کنند. قابل توجه عناصر «حزب‌چه‌ها» اینکه، «احزاب اقتصادی» به اندازه دولت ناکارآمد، سهم یکسانی در تداوم انواع و انبوه چالش‌های اجتماعی و ملی که بستر درد و رنج و ناامیدی بی‌پایان برای میلیون‌ها شهروند است، دارند.

عکس: سعید گنجی، شورای شهر

پرونده ۳۰ تابلوی موزه امام علی(ع) زیر ذره‌بین شورا

چوب حراج به هنر پایتخت

شرق: ۳۰ تابلو از موزه امام علی (ع) به امانت خارج شده و قرار بوده تا تیرماه دوباره به موزه برگردد اما خبری از تابلوها نشده؛ تابلوهایی که دارای ارزش هنری هستند اما مدیران سازمان فرهنگی و هنری شهرداری می‌گویند ارزش موزه‌ای نداشتند.

بعد از تذکر عضو شورای شهر تهران و افشاگری چند روزنامه درباره سرانجام این تابلوها، رئیس سازمان فرهنگی و هنری شهرداری به صحن شورای شهر تهران آمد و درباره خروج این تابلوها توضیح داد. در جریان صحبت‌های او مشخص شد دو اثر از هانیبال الخاص در دوبی به قیمت هزارو ۴۰۰ دلار یا ۸۰ میلیون تومان فروخته شده است. رئیس سازمان فرهنگی و هنری شهرداری تأکید داشت این قیمت کارشناسی این آثار است اما مهدی عباسی، عضو شورای شهر تهران، گفت اگر شهرداری نیاز به هزارو ۴۰۰ دلار داشت، اعضای شورا این مبلغ را جمع می‌کنند تا تابلوها به شهرداری بازگردد.

مهرداد باقری، رئیس سازمان فرهنگی و هنری شهرداری تهران، تأکید کرد که درآمد حاصل از این فروش صرف خرید آثار هنری می‌شود اما به گفته عباسی اگر از فروشگاه‌های دوبی آثار شرکتی هم بخریم، بیش از این رقم می‌شود.

در جریان بررسی فروش آثار هنری تلاش شد ایجاد حساسیت برای حفظ و نگهداری آثار ارزشمند هنری به جریان‌سازی رقبای سیاسی ارتباط داده شود. محمد آخوندی، عضو شورای شهر تهران، خطاب به یک عضو منتقد شورا اعلام کرد اگر دوربین‌های این رسانه‌ها به سمت شماست، در جهت اهداف خودشان است، وگرنه آنها تمایلی ندارند سر به تن هیچ‌کدام ما باشد.

جریان مدافع عملکرد شهرداری تهران بارها تلاش کرده به اعضای منتقد یادآوری کند که در یک کشتی نشسته‌اند و علنی‌کردن چالش‌ها و مشکلات شهر می‌تواند آنها را در انتخابات آینده شورا با مشکل روبه‌رو کند و باعث شکست انتخاباتی این جریان شود.

روز گذشته باقری هم اخبار منتشرشده درباره تابلوهای موزه امام علی را باعث ناامیدی جامعه دانست و گفت: متأسفانه این روال به جای خوبی کشیده نشد و فضای سیاسی در برخی رسانه‌ها ایجاد شد؛ بخشی که مسئله آنها ضربه‌زدن به امید جامعه است، چنین عمل می‌کنند.

مهرداد باقری، مدیرعامل سازمان فرهنگی و هنری شهرداری تهران، در صحن شورای شهر تهران گفت: در سنوات گذشته در شهرداری درباره آثار هنری تراکنش‌های مفصلی داشتیم؛ البته در دوره‌هایی کم‌رنگ و در دوره‌هایی پررنگ است و آثار متعددی در حوزه‌های مختلف وجود دارد که به طور خاص در حوزه هنرهای تجسمی شاهد آن هستیم و عمده آن در سازمان فرهنگی و هنری تجمیع شده است که این آثار در نگارخانه‌ها، موزه‌ها و گالری‌ها وجود دارند و مردم در این بخش‌ها با آثار سروکار دارند. میراث فرهنگی، وزارت ارشاد و دیگر دستگاه‌های بخش خصوصی و افراد هم چنین گنجینه‌هایی دارند. شهرداری نگارخانه‌های مشارکتی هم دارد و تنظیم‌گری بخش خصوصی هم از سوی سازمان فرهنگی و هنری انجام می‌شود. او با بیان اینکه این موضوع با مشورت صاحب‌نظران شورای استادان شکل می‌گیرد که ما با حمایت رئیس شورای شهر از استادان نظر خواستیم و مدیران سابق شهرداری را به شورا اضافه کردیم تا یک سند سیاستی به جمع‌بندی برسد، گفت: در گام اول ساماندهی شمارش آثار را در دستور کار قرار دادیم که متأسفانه آثار انباشت شده بود و مشخص نبود که با چه قیمتی و چه کیفیتی و چندباره خریداری شده و سازمان تمام آثار را در یک انبار ذخیره کرده بود و این در حالی است که سال‌ها بود که اکران موزه‌های تهران انگشت‌شمار بود؛ بنابراین بزرگ‌ترین اکران هنری مربوط به ولادت امام علی (ع)، هفته دفاع مقدس و اکران‌های مرتبط با فلسطین در موزه امام علی انجام شد.

موزه امام علی (ع) موزه موضوعی-تخصصی است. آثار خوب زیادی در حوزه آثار دینی در آن وجود دارد که باید این آثار را اکران کرد و در گام دوم خلأها را جبران کرد. در این راستا باید تبادل اثر انجام می‌شد و ما گاهی تابلوهایی از هنرمندان قرض گرفتیم، اکران و سپس خریداری کردیم و هیئت امنای سازمان نیز رأی مثبتی بر اکران‌های مختلف داشت و حتی قرار شد علاوه بر رویدادهای داخلی در رویدادهای بین‌الملل هم حضور داشته باشیم و ما در این زمینه در دنیا میدان‌دار هستیم

باقری با تأکید بر اینکه تبادل آثار هنری در شهرداری تهران روالی مرسوم بوده و سوابق آن موجود است، ادامه داد: موزه امام علی (ع) موزه موضوعی-تخصصی است. آثار خوب زیادی در حوزه آثار دینی در آن وجود دارد که باید این آثار را اکران کرد و در گام دوم خلأها را جبران کرد. در این راستا باید تبادل اثر انجام می‌شد و ما گاهی تابلوهایی از هنرمندان قرض گرفتیم، اکران و سپس خریداری کردیم و هیئت امنای سازمان نیز رأی مثبتی بر اکران‌های مختلف داشت و حتی قرار شد علاوه بر رویدادهای داخلی در رویدادهای بین‌الملل هم حضور داشته باشیم و ما در این زمینه در دنیا میدان‌دار هستیم. او افزود: مصوبه‌ای برای اولین شرکت بین‌المللی شهرداری تهران در رویداد جهانی در هیئت امنا دریافت و تفاهم‌نامه‌های مرتبط را منعقد کردیم و تمام قواعد این حوزه تخصصی رعایت شد که مستندات آن ارائه شده است و حتی حمل‌ونقل و فرم تحویل این آثار فرم خاصی بود و ما ۳۰ اثر را براساس این فرم‌ها تحویل دادیم که از بیش از ۳۰۰ گالری و موزه جهان اثر در این رویداد حضور داشت و بیش از سه هزار هنرمند از ۵۰ کشور اثر فردی ارائه داده‌اند.

مدیرعامل سازمان فرهنگی و هنری شهرداری تهران با تأکید بر اینکه ما هیئت کارشناسی پنج‌نفره با سوابق مشخص داشتیم و آثار را انتخاب کردند، ادامه داد: جز اکران تمام آثار انتخاب‌شده دو اثر خواهان داشت و قاعده‌ای وجود داشت که باید آثار به صورت رسمی خریداری شود و مشخص شده که رقم چگونه باید واریز شود. آثار چه تبادل و چه خریداری شود، مثلا هنرمندان خصوصی در نگارخانه بوستان لاله فعالیت می‌کنند و یک قسمت از نگارخانه‌ها فروش آثار هنری است و این مکانیسم طبیعی نگارخانه‌هاست. این فرایند قانونی به درآمد برای نگارخانه‌ها تبدیل می‌شود که ما مدتی با افول در این حوزه روبه‌رو بودیم اما در این دوره احیا شد.

او در پاسخ به پرسش اعضای شورای شهر تهران با بیان اینکه ۱۰ مردادماه آقای ناصر امانی نامه‌ای به ما ارسال کرد و بنده نمی‌توانم به دلیل قاعده دبیرخانه شهرداری به صورت مستقیم به عضو شورای شهر پاسخ دهم، گفت: تمام پیوست‌های مالی به نامه پیوست خورده بود و به‌همین‌دلیل مهر محرمانه بر آن حک شد که با مشورت با معاون برنامه‌ریزی شهرداری تهران این پاسخ ارسال شد و بنده واریزی مالی، تعداد اعضای هیئت امنا، قیمت تابلوها و تمام موارد را با مستندات در ۲۰ صفحه ارسال کردم.

ناصر امانی، عضو شورای شهر تهران هم که نخستین بار درباره بازگشت این تابلوها تذکر داده بود، در واکنش به گزارش رئیس سازمان فرهنگی و هنری شهرداری تهران درباره ۳۰ تابلوی فروخته‌شده، خطاب به چمران گفت: از اینکه برای پاسخ به تذکر بنده چنین جلسه‌ای را تشکیل دادید، سپاسگزارم. او در ادامه خطاب به باقری گفت: شما امروز گفتید: تشکر می‌کنم از دغدغه اعضای شورا بابت اینکه این سؤال را مطرح کردند اما بیانیه شما که در رسانه‌ها منتشر شد، با ادبیات امروز شما کاملا متفاوت و متناقض است و من بخش‌هایی از آن را می‌خوانم.

او در ادامه با قرائت بیانیه گفت: واضح است که کالبدشکافی عملکرد گذشته سبب نمایان‌شدن بسیاری از خطاها و جفاها خواهد شد؛ واهمه و هراس از تجلی این اشکالات و خطاهاست که تریبون‌های اهل سیاست را به غرض فرافکنی روشن می‌کند. باید در پی حرکت‌های ایجابی و رو به جلو بود و جبران کم‌کاری و اشتباهات گذشته را کرد و خطاپوشی کارنامه گذشتگان را نیز سرلوحه عمل قرار داد. قطعا بنای دوره مدیریتی حاضر، افشای کم‌کاری و خطاهای گذشتگان نبوده و نیست. اشتباهات کارشناسی، خطاهای مالی، کاستی‌های فنی و علمی و هرچه در دوره مدیریت‌های قبل بوده، گذشته است و امروز باید فقط به آینده اندیشید و برای دست‌یافتن به آن آینده درخشان تلاش کرد. ما تکلیف داریم بر صراط حق حرکت کنیم؛ اما مدیران سابق و اسبق که وضعیت امروز نتیجه دیروز آنهاست، انصاف داشته باشند و اگر این‌چنین نیست، در بی‌انصافی اندازه نگه دارند.

آنچه مطرح شد، ثمره مدیریت اسبق شهری است؛ کارنامه سابقین که خود ماجرای دیگر است. برای نمایش تمایز میان عملکردها، آنچه را در دو سال گذشته دوره جدید مدیریت آغاز شده است، به اختصار مرور کنیم... .

امانی گفت: رزومه مدیران گذشته سازمان فرهنگی و هنری شهرداری تهران را نام ببرم و آن‌وقت با رزومه شما مقایسه کنم؟ اما این کار را نمی‌کنم. او ادامه داد: من یک نامه خطاب به آقای باقری با احتیاط زدم که در شهرداری تهران نچرخد و مستقیم به دست خود ایشان برسد. من که با جایی هم مصاحبه نکردم، به خودتان مستقیم گفتم. ۵۰ روز بعد خانم شمس موضوع را تأیید کردند و گفتند از موزه بازدید کردند و با سؤال و جواب‌کردن متوجه شدند تعدادی از تابلوها فروش رفته است.

عضو شورای شهر تهران گفت: در تاریخ ۲۶ فروردین ۱۴۰۳ در این جلسه چهار مصوبه داشتند و سازمان مجاز به فک پلمب و خارج‌کردن آثار از موزه است و در جایی که سازمان امکان فروش آثار را در حراج ندارد، مجاز است آثار را پس از ارزش‌گذاری توسط کارشناس رسمی به بالاترین قیمت بفروشد و موظف است به تمام مراحل فروش نظارت و نسبت به حفظ و نگهداری صحیح آثار اقدام کند. همچنین تشریفات اجرائی این مصوبه یعنی نمایش آثار در نمایشگاه‌ها و حراج‌ها از طریق مؤسسات مربوط به سازمان و مجموعه‌های دیگر با تأیید هیئت‌مدیره انجام می‌شود. بعد در تاریخ دوم اردیبهشت صورت‌جلسه‌هایی تنظیم شد که در آن نوع اثر، خالق اثر و اندازه اثر مشخص شده است. در ادامه آمده که آثار تحویلی طبق ۱۰ برگ خروج پیوست، پس از برپایی نمایشگاه به صورت سالم و بدون نقص در تاریخ ۳۰ خرداد به آرشیو گنجینه موزه امام علی(ع) عودت داده می‌شود و در غیر این صورت تحویل‌گیرنده علاوه بر مسئولیت تحویل آثار و سایر مسئولیت‌های حقوقی و کیفری، خسارت وارده را نیز مطابق با مدیریت هنرهای تجسمی شهرداری اعمال می‌کند و مکلف به پرداخت و جبران خسارت خواهد بود.

امانی اضافه کرد: بعد از این تاریخ که آثار به مؤسسه‌ای تحویل شده که در وابستگی آن به مؤسسات عمومی تردید هست و طبق اطلاعات تأییدنشده گویی مؤسسه‌ای خصوصی است که چند فرد این مؤسسه را تشکیل داده‌اند، تفاهم‌نامه‌ای میان این مؤسسه و سازمان فرهنگی و هنری در تاریخ ششم اردیبهشت یعنی سه روز بعد از خروج آثار، امضا می‌شود و سازمان اجازه می‌دهد این آثار برای شرکت در نمایشگاه، حراج و فروش با تأکید بر طرف اول متعهد و ملزم به پاسخ‌گویی هرگونه نارضایتی و شکایت از سوی هنرمند خالق اثر، جامعه هنری و نهادهای هنری درباره مالکیت مادی و معنوی است. در تعهدات طرف دوم نیز آمده که مسئولیت حفظ آثار از زمان تحویل تا عودت آثار یا فروش آن، تماما بر عهده طرف دوم است و فرض مسئولیت کامل برای آن لحاظ می‌شود.

او با اشاره به تصویب‌نامه اموال فرهنگی، هنری و تاریخی هیئت وزیران در سال ۸۱، دراین‌باره گفت: وزارت فرهنگ و ارشاد، وزارت اقتصاد و دارایی و هیئت وزیران بنا بر پیشنهاد سازمان میراث فرهنگی کشور آیین‌نامه اموال فرهنگی، هنری و تاریخی نهادهای عمومی و دولتی را به شرح زیر تصویب کرد: به همه آثار هنری که در رشته‌های مختلف هنر تجسمی اعم از هنرهای سنتی و بومی که ایرانی گفته می‌شود و ساخته هنرمندان بوده، یا در تاریخ هنر جزء آثار شاخص هنری محسوب می‌شود، یا نشانگر آغاز یا اوج سبک باشد. ماده سوم، همه اموال فرهنگی، هنری و تاریخی دولتی که در اختیار وزارتخانه‌ها و سازمان‌های عمومی غیردولتی و دستگاه‌ها و... است بر اساس فرم‌ها و دفاتر مندرج در این اساسنامه توسط دستگاه دارنده، ثبت و یک نسخه از آنها به سازمان میراث فرهنگی و وزارتخانه اقتصاد و امور دارایی ارسال خواهد شد. عدم انجام مفاد این نامه پیگرد قانونی خواهد داشت. مطابق با تبصره سوم نیز اموال در اختیار شرکت‌های دولتی و نهادهای عمومی غیردولتی و شرکت‌هایی که شمول قانون مستلزم آنهاست، مشمول این قانون هستند. درصورتی‌که اموال موضوعه این نامه به دلیل شرایط فیزیکی یا شیمیایی خود اثر به نحوی از بین برود، اموال یادشده با تأیید سازمان میراث فرهنگی، با رعایت قوانین مربوطه، از فهرست اموال دولتی خارج خواهد شد. طبق ماده سیزدهم نیز دستگاه‌های مشمول این بند باید اعتبار مورد نیاز برای نگهداری اموال متناسب با دستورالعمل‌های ابلاغی تصویب کنند. همچنین مطابق ماده هفدهم، انتقال بلاعوض و امانی موضوع این آیین‌نامه از یک وزارتخانه یا یک مؤسسه یا شرکت دولتی به یک وزارتخانه یا مؤسسه دولتی یا مؤسسات و نهادهای غیردولتی با رعایت مواد مربوط به قانون محاسبات کشور و با رعایت دو شرط ازجمله موافقت قبلی سازمان فرهنگی کشور است. خروج موقت اموال فرهنگی اگر درجه یک باشد، باید به تصویب هیئت وزیران برسد. طبق تبصره نیز خروج اموال فرهنگی و هنری با موافقت سازمان فرهنگی کشور انجام خواهد شد. حذف اموال موضوع این آیین‌نامه از فهرست اموال تاریخی، فرهنگی و هنری با رعایت آیین‌نامه با نظارت عضوی از وزارت اقتصاد و امور دارایی، سازمان میراث فرهنگی و دیوان محاسباتو دستگاه دارنده آن خواهد بود.

عضو شورای شهر تهران تأکید کرد: مصوبه هیئت امنای سازمان فرهنگی و هنری شهرداری تهران نباید مغایر با قانون باشد. هرچند به اعتقاد من نباید برخلاف قانون هیئت وزیران عمل می‌شده، اما با فرض این موضوع، چرا توسط خود سازمان انجام نشده و توسط یک شرکت خصوصی انجام شده است؟ چرا با پیگیری چندباره سازمان، پول فروش این دو اثر به حساب سازمان آمده است؟ چرا عضو هیئت‌مدیره سازمان مصاحبه کرد و گفت کل این آثار کمتر از سه میلیارد تومان است، اما مطابق نامه سازمان فرهنگی و هنری شهرداری تهران، قیمت این آثار پنج‌میلیاردو ۳۰۰ میلیون تومان است؟ شهرداری تهران کار را در پاسخ به دلسوزی اعضای شورا به رسانه‌ها می‌کشاند نه ما.

مهدی عباسی، رئیس کمیسیون شهرسازی و معماری شورا نیز گفت: برخی کارها به اعتماد عمومی آسیب می‌زند. بعضی آثار را ۷۰۰ دلار فروختید و اگر به فروشگاه‌های دوبی مراجعه می‌کردیم، یک تابلو بیش از این رقم بود. شما صلاحیت فروش این تابلوها را داشتید؟ شما یک‌سری برگه آورده‌اید و می‌گویید به اعتماد عمومی ضربه می‌زنند. این آثار هنوز به موزه برنگشته است. آیا تنها دو اثر به فروش رفته است؟ آیا ارزش آنها فقط ۷۰۰ دلار بوده است؟ این تابلوها را برگردانید؛ ما اعضای شورا مبلغ را جمع می‌کنیم و به شما می‌دهیم.

عباسی با طرح این سؤال که هزارو ۴۰۰ دلار پول لازم داشتید؟ یادآور شد: این سفر چقدر هزینه داشته و چه کسی هزینه را داده است؟ دو تابلو فروختیم که هزارو ۴۰۰ دلار قیمت داشت و این افتخار ملی است؟ در ادامه مهدی اقراریان، رئیس کمیته حقوقی شورا، با بیان اینکه این آثار متعلق به تمام ملت ایران است، یادآور شد: دو اثر به مبلغ ۸۰ میلیون تومان به فروش رسیده که باید شفاف شود تا باعث سوءاستفاده نشود. او ادامه داد: به نظر می‌رسد بیانیه‌ای که سازمان صادر کرد و برخی مصاحبه‌ها، نکاتی دارند که جای تأمل جدی دارد و شاهد این هستیم که خط خبری توسط شهرداری تهران و در امتداد آن در شورای اسلامی شهر تهران شکل گرفته است. آنچه رسانه‌ها باید به آن توجه کنند، عدد بودجه‌ای است که شورا به سازمان فرهنگی و هنری اختصاص داده و این جفا در حق شوراست که می‌گویند به دلیل نداشتن بودجه و احیای آثار دیگر، آثاری را به رقم ۸۰ میلیون تومان فروخته است.

یادداشت

دفاع مقدس؛ در ستایش صداقت و سادگی

امید جهانشاهی

هفته دفاع مقدس است و بهانه یادکردن از فداکاری‌ها و جان‌فشانی‌ها برای دفاع از خاک، از خانه، از ایران. دفاع از خاک و خانه، به‌راستی که دفاعی مقدس است. دفاع! وه چه واژه ستبری، آن‌هم دفاعی چنان سترگ و سراسری که در او از هر مذهب و دین و قوم و قبیله بودند برای ایران. دفاع مقدس بهانه یادکردن آنها هم هست که در خاطره‌ساختن از آن روزها گل کاشتند. مثل بهانه یادکردن از قیصر امین‌پور عزیز که سرود: «به امید پیروزی واقعی، نه در جنگ که بر جنگ». او که در جوانی سینه برای دفاع سپر کرد و زخم برداشت اما با «دلی سربلند و سری سر به زیر» عمری به سر برد و به عشق سال‌های صداقت و سادگی جبهه بود که با زندگی ساخت، تا زخم جنگ کار او بساخت و لاله‌گون شد. دفاع مقدس بهانه ستایش از همین سادگی و صداقت است و یادکردن از آن روزهای سخت و مردانی که یک ایران، سخت برای ایثارشان و برای آن سادگی و صداقت و خلوص و مردانگی‌شان تا همه تاریخ احترام قائل‌اند. تصویر آن رزمنده‌ها، تصویر همیشه سبز همین سرسپردگی است به این خاک، به این آب، به این آیین، به این ایران نازنین. شهدا و رزمنده‌ها و آن حال و روزهای ازیادنرفتنی، همه هم‌رنگ است با همدلی، با سادگی، بسیار بی‌آلایشی و صداقت که سرّ راستین سرافرازی است؛ همیشه بوده است تا همین امروز هم می‌بینیم که هست. و از همین روست که هر آنکه از همین جنس صداقت و صاف و سادگی است، بر دل می‌نشیند.

باری، فارغ از تحلیل‌های سیاسی و بحث‌های داغ انتخاباتی، بر آنم که راز دل‌بردن پزشکیان از مردم، همین ویژگی‌های دلبرانه عجین‌شده با سال‌های دفاع مقدس هم بود. سرّ دوست‌داشتنی بودن پزشکیان برای مردمی که با جنگ زیستند یا از آن شنیدند، هم از همین‌هاست؛ همین خصایص رزمنده‌های بی‌آلایش و غیور آن سال‌های همیشه سرسبز و ماندگار در حافظه جمعی ایرانی.
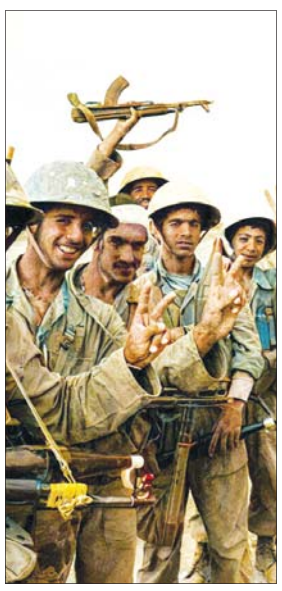
آنچه پزشکیان را خاص و از دیگران متمایز می‌کند، در مدرک و تحصیلات نیست و نه در جهادی‌بودنش در ساختن خانه‌های بهداشت و نه در تجربه سلسله‌مراتب مدیریتی‌اش و نه در هیچ‌کدام از این قبیل. آنچه او را برای عامه خواستنی کرد، این بود که او هم مثل مردان سال‌های غیرت، به‌غایت صادق است و روراست. ساده، با منشی خاکی، بی‌هیچ ژستی که خاص منصب‌داران باشد. بی‌هیچ ادعایی از تفاوت با مردم عادی. گویی از جنس دفاع مقدس است. در یک کلمه مرد، یعنی همین سادگی، غیرت، صداقت و روراستی. ازاین‌رو از روی کاغذ سیاست، خواندن نمی‌تواند، حرف از سینه می‌زند، سرراست و صریح، از مولا علی (ع) می‌گوید و از ستایش صداقت و سادگی. هفته خصایص یادکردنی دفاع مقدس مبارک.